



خبرنگاری که نابغه جبهه‌ها شد

چند روایت کوتاه از زندگی شهید حسن باقری، مؤسس واحد اطلاعات و عملیات سپاه

۲۲



او گمشده خود را در امام یت یافت

شهید علامه سیدعارف حسین الحسینی، نماد گفتمان انقلاب اسلامی در پاکستان

۲۲



نوحه در ردیف دلنشین می شود

گفت و گو با رضا مهندوی درباره آسیب شناسی موسیقی های مذهبی محرم

۲۴

همیشه برای فرهنگ



عکس بهمنشهری استانبول

گفت و گو با «بهروز غریب پور» نویسنده و کارگردان اپرای عروسکی «عاشورا»

راه اجرای اپرای ملی از تعزیه می گذرد

کوچ کردید. دلیل این اتفاق چه بود و چرا مثل سابق به تالار فردوسی که محل مناسبی برای اجرای اپرای عروسکی است، نرفتید؟

طبیعی است که اجراهای گروه ما به ۱۲دلیل عمده تعطیل شده بود. یک دلیل شیوع کرونا و تعطیلات مربوط به آن بود و چون نوع اجرای ما به گونه‌ای است که بازی‌دهنده‌ها در فضایی بسته کنار یکدیگر هستند، این مسئله رعایت احتیاط را بالاتر می‌برد. با اینکه خیلی از سال‌ها شروع به اجرای تئاتر کرده‌اند، ما دغدغه داشتیم که در شرایط بهتری کار بکنیم. نکته بعدی تعمیراتی بود که در سالن فردوسی انجام می‌شد تا از این فرصت به دست‌آمده ناخواسته، ما بهترین استفاده را بکنیم. بعد با انتصاب آقای مجید زین‌العابدین (مدیرعامل جدید بنیاد رودکی، طی ملاقاتی که داشتیم، ایشان پیشنهاد کردند ما اپرای عاشورا را اجرا بکنیم اما در سالی دیگر. به ایشان گفتیم ما تجربه‌ای در تالار وحدت داریم و سالیان پیش «رستم و سهراب» را اجرا کرده‌ایم و تنها سالن مناسب، تالار وحدت است. ایشان هم مساعدت کردند برای اجرا.

در اجرای فعلی تالار وحدت، چه تغییراتی در شکل اجرا داشتید؟
من به چند دلیل این اتفاق را تبدیل کردم به یک نوع اجرای متفاوت. ما قبلا وقتی «رستم و سهراب» را در تالار وحدت اجرا کردیم، با همان قالببندی مرسوم در تالار فردوسی، کار را روی صحنه بردیم و طبیعی است که فقط جای ما تغییر کرده بود. حتی اجراهای اروپایی و آسیایی هم که رفتم، همین اتفاق افتاد، یعنی همان قالببندی صحنه‌ای را رعایت کردیم. منتها این‌جام من سعی کردم یک حرکت کاملاً نو انجام بدهم. بنابراین قالببندی تالار فردوسی اصلا در این‌جا مراعات نمی‌شود و نوعی زیبایی‌شناسی جدید



احمد رضا حجاززاده

روزنامه‌نگار

بهروز غریب پور از سرشناس‌ترین هنرمندان عرصه تئاتر بسا آثاری که شهره عام و خاص است، تا امروز پیش از ۵۰ نمایش و اپرای عروسکی را روی صحنه برده. آثارش همیشگی با استقبال گسترده مخاطبان روبه‌رو شده. پس از وقف چندساله‌ای که بین اجرای اپراهای عروسکی این کارگردان پیش آمده بود، غریب پور دوباره عزمشش را جزم کرده تا به مناسبت فرارسیدن محرم، اپرای عروسکی «عاشورا» را روی صحنه بیاورد، البته نه مثل همیشه در تالار فردوسی که محلی مختص به اجرای اپرای عروسکی بود، بلکه این بار در تالار وحدت و با رویکردی کاملاً متفاوت. اپرای عروسکی «عاشورا» از چهارشنبه ۱۹مردادماه تا جمعه ۲۱مردادماه در تالار وحدت به اجرا درمی‌آید. موسیقی این نمایش عروسکی توسط بهزاد عبیدی ساخته شده و محمد معتمدی، مصطفی محمودی، بهار موحّد، مهدی جاوَر و علی خدایی از آواگران این اجرا هستند. علی پاکدست، غزل اسکندر نژاد، مرضیه سرشقی، مهرنوش صادقیان و مرجان احمدی یکی از اعضای کمسیون فرهنگی می‌گویم، برای تشویق مردم در رفتن به سینما تخفیف‌هایی در نظر گرفته شده و همچنین برای قانون جوانی جمعیت هم ما یک قانون تصویب کرده‌ایم که خانواده‌هایی که ۳فرزند دارند می‌توانند برای خودشان و فرزندشان بلیت نیم‌بها تهیه کنند. او افزود: ما مرتب دستگاه‌های مختلفی را که در زمینه اجرای این قانون مکلف

م تفاوت درنظر گرفتیم که به ماهیت تعزیه خیلی نزدیک‌تر است. بازی‌دهندگان پنهان نیستند و انگار در یک مراسم آیینی و قدسی شرکت کرده‌اند و عروسک‌ها ابزاری هستند برای بیان یک واقعه تاریخی پر عاطفه و مؤثر. به همین دلیل نوعی طراحی صحنه، نورپردازی، عناصر و ابزاری که بسیار مدرن هستند به کار گرفته شدند و ما ان شاءالله ۱۹مردادماه با یک رویکرد جدید اپرای عاشورا را روی صحنه می‌بریم. البته متن و موسیقی هیچ تغییری نداشته‌اند و فقط شیوه اجرا تغییر کرده است.

دکورهای ماکت و مینی‌مالی که در تالار فردوسی داشتید، این‌جا هم استفاده می‌شوند؟

خیر. این‌جا از عناصر دیگری استفاده کرده‌ایم. در کل نوع اجرا با اجرای تالار فردوسی متفاوت است. **چرا در این رویکرد تازه و شروع دوباره، اجرای اپرای عاشورا را فقط برای شب درنظر گرفته‌اید؟**

خب این یک تصمیم غیر برنام‌ریزی شده بود و خود تالار وحدت برنامه‌هایی داشت. حتی به‌خاطر این اجرا مجبور شدند سالن را ۵۳تا شب در اختیار این برنامه بگذارند. اگر بتوانیم در ۳شب آغازین با ظرفیتِ ژر اجرا برویم، ۴شب دیگر هم اجرا خواهیم کرد و چه بسا به‌دلیل استقبال تماشاگران بتوانیم اجرا را تمدید بکنیم.

اپرای عروسکی عاشورا جزو یکی از اپراهای موفق و پر مخاطب گروه شماست اما این اپرا به مناسبت دهه محرم شکل گرفت. با وجود گذشت سال‌ها از تولید و اجرای این اثر، به نظر تان هنوز حرف‌نسازی برای مخاطبش دارد و تأثیرگذار است؟

بله. ببینید، اکنون ۱۴سال از عمر تولید این

اثر می‌گذرد و طی این سال‌ها، ما همیشه در ایام محرم و صفر، اپرای عاشورا را اجرا کرده‌ایم. بنابراین مثل همه آثار دیگر ما در رپرتوار گروه، عاشورا جایگاه و مناسبتی دارد. مناسبت اجراهای دیگرمان ممکن است مثلا تولد مولوی باشد یا تولد حافظ و خیام و عطار، ولی این‌جا در ماه محرم و به‌دلیل باورهای اعتقادی مردم طبیعی است که ما مناسبتی را برای این اجرا در نظر گرفتیم. از نظر متن، طی سالیانی که من از سال ۱۳۴۹ روی نسخ تعزیه کار کردم تا به امروز و تا هنگام تولید عاشورا، تمام کوشش‌م آن بود که این نمایش سنتی ارزشمند ما احیا بشود. اهل تئاتر وقتی به تعزیه ارجاع داده می‌شدند، بیشتر به این دلیل بود که بگویند مثل فاصله‌گذاری در تعزیه یا بر فرض وقتی می‌خواهند بدون دکور یا به کارگیری حداقل وسایل نمایشی را اجرا بکنند، متوجه شدم هیچ‌کس به موسیقی، متن و شیوه اجرا فکر نکرده که عاشورا دقیقا مختصات اپسرا را دارد. زمانی که مکث را روی صحنه بردم، در برشور مکث توضیح مفصلی دادم که راه اجرای اپرای ملی از تعزیه می‌گذرد. بنابراین اثر سوم گروه «آران»، اپرای عاشورا شد؛ اپرایی که دارای تمام ویژگی‌های اپراست اما از بطن سوگوازی‌ها، مراسم و مناسک ایرانی درآمده و قرائت‌ش بسا اپرای غریبی در وجه مشترک‌شان است.

این وجه مشترک چیست؟!

وجه مشترک این است که متن باید منظوم باشد، آواگران یا خواننده‌ها زیگرا نباید نقش‌ها را ایفا بکنند و موسیقی (چه موسیقی آوازی، چه موسیقی اجرایی) در سراسر کار وجود داشته باشد، همانطور که در یک اثر تعزیه وجود دارد. با بسط و گسترش اینها می‌شود اپرای ملی را به‌وجود آورد. این نکته‌ای است که متأسفانه نه انگسازان و نه نمایانم‌نه‌نویسان اشرفی به سینما تریبون گفت:«اگر هم چنین تصمیمی گرفته باشند شاید ۵۰درصد بهای تخفیف را خود مجلس می‌دهد. تاکنون با ما هماهنگی صورت نگرفته است.» او در پاسخ به اینکه آیا از روزهای آینده خانواده‌های دارای ۳فرزند می‌توانند به سینما بروند و بلیت نیم‌بها تهیه کنند، گفت: «کسی فعلا نمی‌تواند به سینما مراجعه کند و چنین درخواستی داشته باشد زیرا باید قرار دادی با انجمن سینماداران بسته شود و بعد تصمیمات گرفته شود. حتماً از کمسیون فرهنگی مجلس برای اجرای مصوبه به ما مراجعه می‌کنند و نحوه استفاده از این مصوبه که چگونه است و راه و روش اجرایی کردن آن را ابلاغ می‌کنند.»

سینماداران درباره این طرح ابزاری بی‌اطلاعی کرد. محمد قاصد اشرفی به سینما تریبون گفت:«اگر هم چنین تصمیمی گرفته باشند شاید ۵۰درصد بهای تخفیف را خود مجلس می‌دهد. تاکنون با ما هماهنگی صورت نگرفته است.» او در پاسخ به اینکه آیا از روزهای آینده خانواده‌های دارای ۳فرزند می‌توانند به سینما بروند و بلیت نیم‌بها تهیه کنند، گفت: «کسی فعلا نمی‌تواند به سینما مراجعه کند و چنین درخواستی داشته باشد زیرا باید قرار دادی با انجمن سینماداران بسته شود و بعد تصمیمات گرفته شود. حتماً از کمسیون فرهنگی مجلس برای اجرای مصوبه به ما مراجعه می‌کنند و نحوه استفاده از این مصوبه که چگونه است و راه و روش اجرایی کردن آن را ابلاغ می‌کنند.»

درگذشت فرزند ملک الشعرای بهار



پروانه بهار، فرزند ملک‌الشعراى بهار ۴۱مردادماه در آمریکا درگذشت. آتشین معاصر، از بستگان پروانه بهار، فرزند ملک‌الشعراى بهار، درگذشت ملک‌الشعراى بهار. درگذشت وی را در شب ۴مردادماه تأیید کرد. کتاب «مرغ سحر» (خاطرات پروانه بهار) پیش از این و در سال ۱۳۹۸ توسط انتشارات جهان کتاب منتشر شده بود. پروانه بهار، به‌دلیل بیماری پدرش، با او به نقاط مختلف اروپا سفر می‌کند و می‌تواند کشورهایی مثل سوئیس و فرانسه را ببیند. خاطرات این سفرها که مربوط به دوران بیماری محمدتقی بهار هستند، در اولین بخش کتاب آمده است. پروانه بهار در این سفر فرصت داشته از هم‌صحبتی با پدرش بهره ببرد و جهان را بشناسد. فاطمه کشاورز، رئیس کرسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مریلند، در پیش‌گفتارش بر کتاب «مرغ سحر» به این مسئله اشاره کرده که می‌توان این کتاب را ماجرای سفر دورنی این دختر جوان دانست که از جغرافیای بیرون بهره می‌گیرد تا جهان درون را بسازد و آن را به شهری روشن و پر حرکت بدل کند.

■ ■ ■

برگزاری جشن خانه سینما بعد از ۳سال وقفه



بیست‌ودومین جشن جامعه اصناف سینمایی کشور بعد از محرم و صفر برگزار می‌شود

خانه سینما بعد از ۳سال وقفه، جشن جامعه اصناف سینمایی کشور را برگزار می‌کند. بعد از برگزاری سیست و بیست‌وجشن خانه سینما در شهر پور، پاندمی کرونا باعث شد این جشن در سال‌های ۱۴۰۰و ۱۴۰۱ برگزار نشود. حالا ما سینمای‌ها حتی برای اینکه به مخاطبان هم بگویم که باید ملی را از مآخذ تاریخی و کاملاً مزوج با ادبیات و فرهنگ خودمان گرفتیم که منجر شد به شکل‌گیری اپرای مولوی، حافظ، سعدی، شیخ صنعان و دختر ترسای یا اپرای عشق و... عاشورا، تمام کوشش‌م آن بود که این نمایش سنتی ارزشمند ما احیا بشود. اهل تئاتر وقتی به تعزیه ارجاع داده می‌شدند، بیشتر به این دلیل بود که بگویند مثل فاصله‌گذاری در تعزیه یا بر فرض وقتی می‌خواهند بدون دکور یا به کارگیری حداقل وسایل نمایشی را اجرا بکنند، متوجه شدم هیچ‌کس به موسیقی، متن و شیوه اجرا فکر نکرده که عاشورا دقیقا مختصات اپسرا را دارد. زمانی که مکث را روی صحنه بردم، در برشور مکث توضیح مفصلی دادم که راه اجرای اپرای ملی از تعزیه می‌گذرد. بنابراین اثر سوم گروه «آران»، اپرای عاشورا شد؛ اپرایی که دارای تمام ویژگی‌های اپراست اما از بطن سوگوازی‌ها، مراسم و مناسک ایرانی درآمده و قرائت‌ش بسا اپرای غریبی در وجه مشترک‌شان است.

این وجه مشترک چیست؟!
وجه مشترک این است که متن باید منظوم باشد، آواگران یا خواننده‌ها زیگرا نباید نقش‌ها را ایفا بکنند و موسیقی (چه موسیقی آوازی، چه موسیقی اجرایی) در سراسر کار وجود داشته باشد، همانطور که در یک اثر تعزیه وجود دارد. با بسط و گسترش اینها می‌شود اپرای ملی را به‌وجود آورد. این نکته‌ای است که متأسفانه نه انگسازان و نه نمایانم‌نه‌نویسان اشرفی به سینما تریبون گفت:«اگر هم چنین تصمیمی گرفته باشند شاید ۵۰درصد بهای تخفیف را خود مجلس می‌دهد. تاکنون با ما هماهنگی صورت نگرفته است.» او در پاسخ به اینکه آیا از روزهای آینده خانواده‌های دارای ۳فرزند می‌توانند به سینما بروند و بلیت نیم‌بها تهیه کنند، گفت: «کسی فعلا نمی‌تواند به سینما مراجعه کند و چنین درخواستی داشته باشد زیرا باید قرار دادی با انجمن سینماداران بسته شود و بعد تصمیمات گرفته شود. حتماً از کمسیون فرهنگی مجلس برای اجرای مصوبه به ما مراجعه می‌کنند و نحوه استفاده از این مصوبه که چگونه است و راه و روش اجرایی کردن آن را ابلاغ می‌کنند.»

یادداشت

حافظ روحانی

روزنامه‌نگار

سوگواره استادانه

نگاهی به پرده عاشورا، منتسب به محمد مدبر

هر چند تصویر کردن روز عاشورا در بین نقاشان قهوه‌خانه‌ای بسیار مرسوم بود و تعداد زیادی از سفارش‌دهندگان نیز خواهان پرده‌های روز عاشورا که به «مصیبت کربلا» معروف است، بودند اما این پرده کوچک یکی از منحصربه‌فردترین نمونه‌های باقی‌مانده از آثار نقاشانی است که روز عاشورا را نقاشی کرده‌اند. این نقاشی که تنها به ابعاد ۷۶در ۳۵سانتی‌متر است رقم و تاریخ ندارد اما به واسطه نوع اجرا به محمد مدبر منتسب است؛ یکی از بنیانگذاران سنت نقاشی قهوه‌خانه‌ی.

محمد مدبر در سال ۱۳۶۹متولد شده و به سال ۱۳۴۵فوت کرده است و رابطه نزدیکی با حسین قوللر آقاسی، مشهورترین نقاش سنت قهوه‌خانه داشت. بسا این وجود همان قدر که قوللر آقاسی به واسطه شکل دادن به سنت‌های نقاشی قهوه‌خانه‌ای شهرت دارد و تا آخرین آثارش هم به این سنت‌ها وفادار مانده، محمد مدبر دست به تجربیات گوناگون می‌زد. یکی از دلایلی که این پرده را به مدبر منتسب می‌کنند هم همین تجربه‌گرایی و استفاده نقاش از شیوه‌ها و آموز‌های دیگر شاخه‌های نقاشی است. یکی از ویژگی‌های مدبر، کوشش او برای تسلط بر طراحی و به‌کارگیری تکنیک‌های سایه‌روشن بود. به‌عنوان مثال در یکی از شناخته‌شده‌ترین آثارش، «مصیبت کربلا – گودال قتلگاه» مدبر از تکنیک سایه‌روشن در طراحی و اجرای مرکز اثر که گودال کربلا را نشان می‌دهد استفاده کرده و از این نظر از سنت‌های نقاشی قهوه‌خانه‌ای عدول کرده است. در یکی دیگر از پرده‌های مدبر به نام «بارگاه کیخسرو»، طراحی دقیق هنرمند نشان از اعتماد به نفس و قدرت طراحی نقاش دارد. از این نظر اینطور برمی‌آید که مدبر بیش از قوللر آقاسی بافرم نقاشی درگیر بوده و این علاقه‌مندی را می‌توان در عمده آثارش دید.

پرده عاشورا از جهت انتخاب موضوع، نوع پرداخت و ترکیب‌بندی با دیگر پرده‌های قهوه‌خانه‌ای که مصیبت کربلا را نمایش داده‌اند تفاوت دارد. این تفاوت تا آنجاست که هادی سیفی می‌نویسد: «باید فراموش کرد؛ این قسم تابلوها را مردم چندان نمی‌پسندیدند؛ چون با سلیقه و خواسته‌شان هماهنگ نبود. اگر هم طالبی داشت، بیشتر دلال‌ها و واسطه‌های خرید و فروش تابلو بودند که چنین سفارش‌هایی را به قصد خارج ساختن کار از مملکت به امثال استاد محمد (مدبر) می‌دادند.» علت اصرار بر این حرف چند نکته است؛ برخلاف عمده پرده‌های عاشورایی که معمولاً امام حسین(ع) را حین رزم در مرکز ترکیب‌بندی می‌بینیم، در این پرده شاهد یک دورنما هستیم؛ خیمه‌ها سفیدرنگ مانند خطی در میان تابلو بالا و پایین کادر را جدا کرده است و پیکره زنانی با چادر مشکی در پایین اثر دور پیکره شهیدی از شهدای کربلا تجمع کرده و در حال سوگواری‌اند. تضاد رنگ مشکی چادرها با سفیدی خیمه‌ها حال‌وهوای سوگواری را بیشتر تداعی می‌کند. در عین حال هنرمند از تکنیک نقاشی‌های موسوم استفاده کرده است استفاده از شیوه‌سازی اصطلاحی بود که در مورد تابلوهایی به‌کار می‌رفت که در آنها اصول پرسپکتیو به شیوه نقاشی غربی مورد استفاده قرار می‌گرفت. اما در اینجا استفاده مدبر از این تکنیک باعث شده تا اثرش اشیاء در دوردست دیده شوند و تأکید بر سوگواری بیشتر شود. همچنین سیف اشاره می‌کند که در این اثر هنرمند از تکنیک‌های نگارگری هم استفاده کرده که نمونه‌اش را در سمت راست اثر می‌بینیم؛ جایی که به تأسی از سنت‌های نگارگری داخل تَجِیر دیده می‌شود. استفاده هنرمند از این تکنیک‌ها و عدولش از سنت‌های قهوه‌خانه‌خیلی مورد پسند و قبول نبود.

در عین حال در بالاترین نقطه اثر، پیکره‌ای به رنگ مشکی دیده می‌شود که به آسمان عروج کرده است. این پیکره در دست در میان تابلو تصویر شده و اگر عموماً از آن یک‌ششم در پایین کادر به پیکر شهید می‌رسیم، از این نظر می‌توان این اثر را شاهکاری در ترکیب‌بندی در نظر گرفت که نشان می‌دهد هنرمند با چه دقتی عناصر بصری را در کنار هم چیده است تا هم اثرادش به شهیدای کربلا را نمایش دهد و هم حس وحال سوگواری را به بیننده منتقل کند.

بر خلاف عمده پرده‌های کربلا که بیشتر بر رشادت و شجاعت اولیا تأکید می‌کنند، این پرده بیانگر سوگواری و غم و اندوه است و بیشتر تصویرگر عصر عاشورا و پایان نبرد است تا روایتگر جنگ امام حسین(ع) و یارانش. همه اینها باعث می‌شود که این پرده به یکی از منحصربه‌فردترین نمونه‌های باقی‌مانده از نقاشی قهوه‌خانه‌ای تبدیل شود. اثری که می‌توان فارغ از عدولش از سنت‌ها و شیوه‌های آشنای نقاشی قهوه‌خانه، به‌عنوان اثری دقیق تماشا کرد و توانایی فنی هنرمندش

را استود که تبحرش در طراحی و ترکیب‌بندی را بیش چشم‌انمان می‌گذارد. این تابلوی نسبتاً کوچک هم‌اینسک جزء گنجینه مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد در تهران است.

